

# بازدارندگی، مکانیزم مقابله با تهدیدات نامتقارن (مطالعه موردی رابطه ایران و امریکا)



فاطمه نوری فرد\*

## چکیده

در مقاله حاضر، رهیافت‌های گوناگونی در زمینه شناخت مکانیزم‌های بازدارندگی که در قبال تهدیدات نامتقارن ممکن می‌باشد، ارائه گردیده است. در ادامه درصدد پاسخگویی به این پرسش خواهیم بود که چگونه می‌توان از بازدارندگی به‌عنوان مکانیزم مقابله با تهدیدات نامتقارن سود جست؟ بنابراین از تجزیه و تحلیل مدل مذکور، اصلی‌ترین مفروض مقاله حاضر را تحت چهار عنوان، اقدامات بازدارنده، اقدامات اعمال فشار، اقدامات ضد استقرار و اقدامات ضد تهاجم مطرح خواهیم کرد که مجموعه این رویکردها به‌طور نسبی می‌تواند برای اجرای یک طرح موفق از مدل بازدارندگی متقابل باشد.

## کلید واژه‌ها

تهدیدات نامتقارن، بازدارندگی، عملیات جایگزین، باورپذیری، اعمال فشار، مخاطره‌جویی، استراتژی‌های ترکیبی، ضد تهاجم و اهرم‌های مقابله.

\* فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.

## مقدمه

امروزه ادبیات موجود در زمینه‌های راهبردی و دفاعی بر مفهوم نبرد نامتقارن<sup>۱</sup> تأکید بسیار دارند. این امر نه تنها در کشورهای پیشرفته، بلکه در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته هم مورد توجه قرار گرفته است. وقوع حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱، منجر به ظهور اشکال جدیدی از تهدیدات در صحنه بین‌المللی گردید. لذا منطقه خاورمیانه نیز از تیررس این تهدیدات جدید دور نمانده و تحت تأثیر شاخص‌های هژمونیک‌گرایی ایالات متحده امریکا، بحران‌های منطقه‌ای به‌گونه‌ای وسیع افزایش یافته است. از اینرو در چنین فضایی نگرانی‌های امنیتی بازیگران منطقه‌ای به‌ویژه ایران تا حدودی افزایش یافته است و طبعاً هر کدام از واحدهای سیاسی منطقه سعی در ارتقای موقعیت خویش دارند.

بنابراین در چنین وضعیتی، اتخاذ پاره‌ای از استراتژی‌ها به‌ویژه تعقیب راهبرد دفاعی مناسب برای امنیت جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات نامتقارن در قالب مدل بازدارندگی<sup>۲</sup> عینیت می‌یابد.

در این راستا، بند ۲۴ سند برنامه‌های توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر ارتقای توان دفاعی نیروهای مسلح برای حفاظت از منابع حیاتی کشور و انقلاب اسلامی تأکید می‌نماید و مبنای راهبرد دفاعی کشور را بر اساس بازدارندگی تعریف می‌کند. در این بند آمده است: «ارتقای توان دفاعی نیروهای مسلح برای بازدارندگی، ابتکار عمل و مقابله مؤثر در برابر تهدیدها و حفاظت از منافع ملی و انقلاب اسلامی و منابع حیاتی مهم کشور می‌باشد».<sup>(۱)</sup>

اما ارزیابی درست و دقیق عناصر تشکیل‌دهنده مقابله با تهدیدات نامتقارن، مشروط به تجزیه و تحلیل دقیق تر پارامترهای اصلی مکانیزم مقابله می‌باشد. در روند ارزیابی مدل مذکور، بررسی و تبیین رویکرد رئالیسم، ضروری به نظر می‌رسد، چرا که بازدارندگی مبتنی بر انگاره‌هایی درباره نظام‌های تهدید و تعهدات مشروط به اعمال مجازات است که به‌طور خاص با شاخه مطالعات راهبردی در سنت واقع‌گرا همخوانی دارد. بدین ترتیب، بازدارندگی موردی خاص از روابط قدرت است.

رئالیست‌ها، اصول خود را بر پایه دانایی و فردگرایی استوار ساخته و به پیش‌بینی‌های خیال‌پردازانه دلخوش نمی‌دارند. آنها ضمن تأکید بر موضوع امنیت معتقدند که چنانچه دولتی نتواند امنیت خود را حفظ کند، قادر به انجام هیچ کاری نخواهد بود. تحت چنین شرایطی نیروی نظامی کارآمد برای حمایت از دیپلماسی، سیاست خارجی و در نهایت تأمین امنیت ضروری می‌باشد.<sup>(۲)</sup>

تحلیلگران واقع‌گرایی معتقدند که سیاست خارجی کشورها در محیطی در تعامل هستند که فاقد قوه فائده مرکزی باشد، البته نه به آن معنا که بی‌نظمی حاکم باشد، بلکه بدین مفهوم که هیچ‌گونه اقتدار و برتری به‌منظور ایجاد قواعد و رویه‌های قانونی وجود ندارد و بر ذاتی بودن حاکمیت کشورها صحنه می‌گذارد.

در چارچوب رویکرد مزبور در نظام بین‌الملل هر کشوری با تکیه بر اصل خودیاری باید به فکر خود باشد و قوه فائده‌عالی‌تری برای حمایت آنها نیست. بنابراین هر واحد سیاسی باید به دنبال توانمندسازی و تولید قدرت خویش باشد.

1. Asymmetric war fare  
2. deterrence

بنابراین با در نظر گرفتن موارد مذکور حفظ و تمامیت ارضی کشور، دفاع از کشور در مقابل تجاوزات خارجی، حفظ توان مقابله با تهدیدات نظامی و امنیتی دیگر بازیگران و ایجاد محیطی با ثبات برای تأمین منافع ملی و گسترش ارزش‌های اسلامی از مهمترین اهداف استراتژی دفاعی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. به‌علاوه در راستای هدف توانمندسازی کشور باید بر تقویت بنیه تکنولوژیکی، عملی و تحقیقاتی در ابعاد نظامی - اقتصادی نیز تأکید گذارد، تا از این رهگذر بتوان در منطقه، نفوذ سیاسی خویش را افزایش داده و مرزهای امنیتی خود را گسترش دهیم.

بنابراین عناصر مهم استراتژی بازدارندگی، شامل رقابت فشرده و شدید تسلیحاتی که مجهز به‌مدرنترین سلاح‌ها و تکنولوژی تسلیحاتی می‌باشد، است. طبیعتاً در این راستا دارا بودن یک کادر دیپلماسی قوی برای تحقق استراتژی بازدارندگی در کنار رقابت تسلیحاتی از لوازم مهم برای کشور بازدارنده است. در حقیقت کشور بازدارنده باید پیوسته در رقابت تسلیحاتی حضور فعال داشته و به‌طور روزافزون در پی دستیابی به پیشرفته‌ترین فناوری‌های نظامی و برتری تسلیحاتی نسبت به دیگران باشد.

با توجه به‌اینکه جمهوری اسلامی ایران با موج گسترده‌ای از تهدیدات، به‌ویژه تهدیدات نامتقارن مواجه است که خود دارای روندی بسیار پیچیده بوده، لذا تعریف تهدید نامتقارن در مبحث بعدی ضروری به‌نظر می‌رسد.

## تهدیدات نامتقارن

واژه تهدیدات نامتقارن از دهه ۹۰ به‌کار گرفته شده که گستره وسیعی از تهدیدات نامتعارف را شامل می‌شود. در اولین نگاه، عدم تقارن یعنی بهره جستن از نوعی تفاوت که به‌غلبه بر دشمن منجر می‌شود. تهدیدات نامتقارن به‌اشکال مختلفی تعریف شده است، در ضمن اینگونه تهدیدات در کلیه گزارش‌ها، اسناد و مکتوبات در کنار جنگ نامتقارن دیده می‌شود.<sup>(۳)</sup>

جنگ نامتقارن یعنی اندیشیدن، سازماندهی کردن و انجام عملیات متفاوت از آنچه دشمن انجام می‌دهد، به‌منظور به‌حداکثر رساندن برتری‌های خود یا بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن.<sup>(۴)</sup>

تهدیدکننده‌های نامتقارن می‌کوشند تا نقاط ضعف دشمن را هدف قرار داده، با شمار نیرویی کم و با راهبرد جنگ بدون درگیری و یا به‌کارگیری عملیات‌های انتحاری و انجام عملیات از راه دور به‌دشمن قوی، ضربه وارد کنند.<sup>(۵)</sup>

تهدیدهای نامتقارن نسبی بوده و برخی از برخی دیگر نامتقارن تر هستند. آنچه این تهدیدها را به‌تهدیدهای نامتقارن تبدیل می‌کند، تفاوت در مفاهیم عملیات است و اینکه چنین تهدیدهایی علیه آسیب‌پذیری‌های غیرمنتظره دشمن به‌کار می‌رود. در این مورد کشوری که هدف تهدید قرار می‌گیرد، معمولاً غافلگیر می‌شود و این حالت گیج‌کننده ممکن است واکنش طرف مقابل را به‌تأخیر اندازد.<sup>(۶)</sup>

در مجموع عناصر اصلی تهدیدات نامتقارن، استفاده از روش‌های مبتکرانه و خلاقانه، بهره‌گیری از نقاط آسیب‌پذیر دشمن، استفاده از فناوری‌های پیشرفته، تضعیف اراده دشمن برتر و تأکید بر تأثیرات نامتناسب می‌باشد.<sup>(۷)</sup> با توجه به‌موارد مذکور، نکته مهم در بحث پیرامون تهدیدات این است که تهدیدات، امور ثابتی نیستند، بلکه

مرتباً و بر مبنای مقتضیات و تحولات زمان، محیط و میزان درک و شناسایی آن متغیر است. لذا راهبردهای دفاعی با استفاده از استراتژی بازدارندگی ضرورتاً با ترکیبی از قدرت نظامی، سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و اطلاعاتی با طرف مقابل برخورد خواهد کرد. تصمیم‌گیرندگان به‌منظور گزینش میان استراتژی‌های مختلف باید دقیقاً نسبت به توانایی‌های کشور خود و همچنین قابلیت‌ها و نحوه نگرش متخاصمین بالقوه واقف باشند.

بنابراین به‌نظر می‌رسد که بهره‌گیری از توانمندی‌های منحصر به‌فرد و تاکتیک‌های مبتکرانه می‌تواند راه‌حل مناسب مقابله را در راستای استراتژی بازدارندگی ایجاد کند. همچنین استفاده از تدابیر ضد‌دسترسی می‌تواند حالت بازدارندگی مطلوبی را ممکن سازد و مانع از ورود نیروهای امریکایی به‌منطقه امنیتی ایران شده و یا موجب کند کردن حرکت آنان شود.

بنابراین ما تدابیر ضد‌دسترسی را در چهار گستره که با هم در تعامل نیز می‌باشند، به‌عنوان عناصر بازدارندگی در مقابل تهدیدات نامتقارن در نظر می‌گیریم که به‌طور کامل و منسجم در جدول شماره (۱) به‌نمایش خواهیم گذاشت.

### جدول شماره ( ۱ ): خلاصه اقدامات مقابله با تهدیدات نامتقارن

رویکردها	اهداف	زمان	راهبرد و سطح اقدامات
اقدامات بازدارنده	بازداشتن و یا محدود کردن دشمن و متحدین از شرکت در بحران	هنگام صلح	شناخت متخاصم اعتبار باورپذیری عامل زمان
اقدامات اعمال فشار	ممانعت و محدودیت دشمن و متحدین در بحران	هنگام صلح و یا اوایل بحران	توانایی نفوذ مخاطره‌جویی
اقدامات ضد‌استقرار	ممانعت و محدود کردن استقرار نیروهای دشمن و متحدین آن در منطقه	اوایل بحران و یا هنگام بحران	مدل ترکیبی بازدارندگی
اقدامات ضد تهاجم	اگر صلح می‌خواهی مهیای نبرد باش	اواسط بحران و یا اواخر بحران	جنگ نامتقارن دفاع عامل دفاع غیرعامل

### ۱- اقدامات بازدارنده جمهوری اسلامی ایران در مقابله با تهدیدات نامتقارن

اقدامات بازدارنده به‌اقداماتی گفته می‌شود که از ورود نیروهای دشمن و یا متحدانش به‌منطقه بحران یا ارسال کمک‌های سیاسی - نظامی به‌آنها جلوگیری شود و از طریق نمایش قدرت یا دیپلماسی صورت می‌گیرد. اقدامات بازدارنده معمولاً در مرحله اولیه بحران انجام می‌گیرند، هرچند بازدارندگی ممکن است حتی پس از شروع درگیری نیز ادامه یابد.

تشخیص اینکه چه زمانی بازدارندگی موفق خواهد بود و یا شکست خواهد خورد، ضرورت داشته و باید احتیاط لازم مدنظر قرار گیرد. این احتیاط با توجه به مشکلات ناشی از تشخیص موارد مربوط به بازدارندگی اعمال شده و نیز نتایج متمایز به دست آمده مبنی بر موفقیت بازدارندگی صورت می‌گیرد. در این قسمت، اقدامات بازدارنده در چهار عنوان شناخت، اعتبار، باورپذیری، و عامل زمان بررسی خواهد شد.

• **شناخت متخاصم:** در مرحله نخست با شناخت دشمن و همچنین تهدیدات از جانب دشمن متخاصم و شناخت کامل ظرفیت‌ها و توانایی‌های دشمن می‌توانیم با افزایش پتانسیل‌های خود در جهت امنیت و بقای کشور گام برداریم. لازم به توضیح است که باید در شناسایی نقاط آسیب‌پذیر خود منطقی عمل کرده و شیوه‌های مناسب را برای تهدیدات و مدیریت بحران اتخاذ کنیم. مجموعه بحث پیرامون شناخت در سه سطح، به شرح زیر قابل بررسی می‌باشد:

الف) شناخت خود؛

ب) شناخت متخاصم؛

ج) شناخت فضای سیاست بین‌الملل.

بر اساس شواهد موجود ایالات متحده آمریکا حیطة امنیت و منافع ملی خود را در سطح جهانی تعریف می‌کند و به تعبیری دیگر مفهوم هژمونی بهترین توصیفی است که می‌تواند رفتار آمریکا را در نظام بین‌الملل توضیح دهد. چرا که آمریکا همواره به دنبال ایفای نقش رهبری در سیاست بین‌الملل می‌باشد. در واقع پس از شکست ایدئولوژی کمونیسم، آمریکا با اعلام پیروزی لیبرال دموکراسی، در صدد تحمیل موقعیت خود به عنوان رهبری و مدیریت جهان بود. جمهوری اسلامی ایران نیز به عنوان بازیگری با قدرت در سطح منطقه‌ای شناخته شده است. مطابق سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی، با هدف دستیابی به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) و با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پر شتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل می‌باشد.<sup>(۸)</sup>

بنابراین راهبرد دفاعی ما باید متکی بر خلاقیت، قدرت و منطبق با تهدیدات نوظهور و خاص طراحی گردد و تحقق این موضوع، مستلزم تشریح مسئله، شناختن بهترین زمان در دسترس و ابتکار منظم نیروها از بالاترین سطوح نیروی نظامی است.

شناخت متخاصم، ما را با سیستمی توانمند برای بازتعریف روند جاری تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها و روشها برضد تهدیدات جدید مجهز می‌کند. این سیستم، ابداع راه‌حل‌های مناسب را برای مسائل جدید در اختیار ما گذاشته تا راهکار مناسب را به انجام رسانیم. بنابراین چنانچه نسبت به دشمن شناخت حاصل شود، شکل‌دهی استراتژی موفقیت‌آمیز بازدارندگی به مراتب آسانتر می‌گردد که حصول این امر مستلزم صرف دقت و صبر بسیاری است. سرانجام اهداف، انتظارات و همچنین گرایش به مخاطره اشخاص و گروه‌های متنفذ شناخته شده، توانایی‌ها، پتانسیل‌ها و قابلیت‌های نظامی دیپلماتیک و اطلاعاتی متخاصم مورد بررسی قرار گیرد.

• **اعتبار:** اعتبار<sup>۹</sup> عبارتست از متقاعد ساختن متخاصم مبنی بر اینکه اراده و وسایل لازم برای اجرای تهدیدات و عهد و پیمان وجود دارد. این مطلب در بیان سایر موارد به معنای تبادل پیام‌های غیرمتناقض می‌باشد.<sup>(۹)</sup>

پاسخ‌های تهدیدآمیز باید به‌نوعی باشد که دشمن باور کند ایران می‌تواند به‌حمله تلافی‌جویانه دست زند و به‌این اقدام مبادرت خواهد ورزید. عدم‌تقارن در اراده زمانی امکان خواهد داشت که یک طرف بقا یا حیات خود را در معرض خطر ببیند و طرف دیگر به‌دنبال حفظ و افزایش منافی باشد که منافع حیاتی کم‌اهمیت‌تر را در پی داشته باشد. عدم تقارن در اراده، طرفی را که در معرض خطر بیشتر است، مجبور می‌کند تا با تحمل بیشترین هزینه، به‌اقداماتی دست زند که هر دشمن دیگری ممکن است از نظر اخلاقی یا منطقی از پذیرش آنها خودداری کند.

در رابطه با ایران نیز بسیاری از تحلیلگران معتقدند که ایران باید از مطلوبیت‌های خود در خاورمیانه بیشترین بهره‌برداری را انجام دهد، البته با توجه به‌این مطلب که ماهیت تهدیدات کاملاً نسبی است و هر اقدام نامناسبی امکان دارد سطح تهدیدات را افزایش دهد. الگوی موردنظر ایران باید قابلیت‌های تولید قدرت ملی را افزایش دهد. البته توان و قدرت مسلحانه یک کشور در برخورد با دشمن خارجی از جمله مؤلفه‌های اساسی قدرت ملی است که تعداد نیروهای مسلح، توانایی رهبری و فرماندهی، فناوری نظامی - دفاعی و تسلیحات دفاعی و آموزش‌های نظامی هر واحد سیاسی را شامل می‌شود.

اما برای استخراج بزرگترین سرمایه جهت افزایش توان بازدارندگی سیستم، باید به‌حوزه داخلی کشور توجه فراوان شود. این اهمیت تا آنجایی است که تنها بعد سخت‌افزاری دفاعی ما از این مؤلفه، مستقل عمل می‌کند و سایر حوزه‌های دیپلماسی و دفاعی بدان وابستگی غیرقابل انکاری دارند و در نتیجه هیچ چاره‌ای جز نشان دادن یک اراده قوی برای از بین بردن بسترهای سوءاستفاده بیرونی از مسائل داخلی وجود ندارد.

هم‌اکنون توان دفاعی کشور برای انجام عملیات‌های لازم در وضعیت مناسبی قرار دارد و در این بخش نیز بازوی بازدارندگی دفاعی کشور بر پشتوانه ملی استوار است.<sup>(۱۰)</sup>

لذا ساماندهی وضعیت دفاعی در راستای تأمین و تحقق اهداف امنیت ملی کشور در واقع اصلاح ساختارها و سازوکارهای (مکانیزم) تصمیم‌گیری در نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و استفاده بهینه و مطلوب از بودجه دفاعی در راستای استراتژی بازدارندگی نظامی کشور می‌باشد. بنابراین جمهوری اسلامی ایران برای افزایش اعتبار بازدارندگی در جهت قدرت‌سازی برای مقابله با تهدیدات گام برداشته و ضرورت دارد همواره بر موارد زیر دقت‌نظر داشته باشد:

- تقویت وفاق و اراده ملی با کاهش بی‌عدالتی‌های اجتماعی؛
- ایجاد مکانیزم مناسب برای توزیع عادلانه درآمدها و منابع؛
- توسعه سیاسی و آزادی‌های مدنی؛
- جلوگیری از شکاف ارزش‌ها بین حکومت و ملت؛
- کسب اعتبار و وجهه مثبت بین‌المللی از طریق اقناع افکار عمومی؛
- حفظ آمادگی نظامی و ارتقای آن در راستای استراتژی بازدارندگی.

در این صورت ایران با مجهز بودن به توانمندی‌ها و قابلیت‌های بالا موجب می‌شود که دشمنان بالقوه علاقه کمتری برای انجام عملیات‌های نامتقارن، بر ضد ما داشته باشند.

• **باورپذیری:** باورپذیری همانگونه که رابرت جرویس<sup>۱</sup> در خلال جنگ سرد بیان کرد: «این استدلال که تهدید امریکا به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای اعتبار چندانی ندارد، این ذهنیت به ظاهر صحیح را به وجود می‌آورد که تنها اندک اعتباری مورد نیاز است»<sup>(۱۱)</sup>

بنابراین رویکرد بازدارندگی، زمانی موفق خواهد بود که این باور را ایجاد کند که میزان خسارتی را که می‌توان در صورت جنگ احتمالی به دشمنان وارد کرد، به قدری زیاد است که ضرورت دارد تا دشمن به بی‌ارزش و بیهوده بودن عمل مورد نظرش بیندیشد.

رویکردهای نامتقارن می‌توانند از طریق بکارگیری ماهرانه عامل روانی، تأثیر قدرتمندی بر جای گذارند. این رویکردها که مستقیماً اراده دشمن را هدف قرار می‌دهند، می‌توانند کمبود تجهیزات یا دیگر کاستی‌ها را جبران کنند، در واقع با اتکا بر عنصر روانی، یک رویکرد مبتکرانه را به کار گیرند، لذا باید توجه داشت که تنوع اندیشه در انسان‌ها و به کارگیری خلاقیت و توانایی‌های منحصر به فرد باعث می‌شود که هر اندیشمندی به سود و زیان خود قبل از تجاوز به دیگران بیندیشد.

بر همین اساس «عملاً این ذهن دشمن و به‌ویژه اراده اوست که هدف قرار داده می‌شود. این مسئله تأکید مجددی می‌باشد بر این اصل کلازویتس<sup>۲</sup> که جنگ اقدامی است زورمدار که دشمن را وادار به پذیرش خواست ما می‌کند»<sup>(۱۲)</sup> با توجه به موارد مذکور، ایران می‌تواند با تکیه بر توانمندی‌های بالقوه و بالفعل خود و مهمتر از آن بنیادهای معنوی‌اش، انجام این استراتژی را برای امریکا بسیار سنگین سازد. افزایش اتحاد ملی و انسجام اسلامی در ایران از یک طرف و تفوق در سطح مرجعیت در خصوص سرنوشت انتخابات عراق و بالاخره تأثیر ایدئولوژیک ایران در لبنان نشانگر بالا رفتن مانور ظرفیت مدیریت تغییر در منطقه توسط جمهوری اسلامی ایران است. رخدادهای عراق، لبنان با تولید قدرت الهام‌بخش انقلاب اسلامی در این دو کشور است که این موضوع از دید استراتژیست‌های امریکا دور نخواهد ماند. این امر نشانگر آن است که الگوهای مورد نظر ایران در منطقه در حال ارتقا می‌باشد.

جمهوری اسلامی ایران دارای قابلیت‌های نهفته‌ای برای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی است که با بهره‌گیری از توانمندی‌های کمی و کیفی خویش و ائتلاف و همکاری با متحدان منطقه‌ای در تلاش برای ارتقای موقعیت خود در منطقه می‌باشد و همچنین می‌تواند این باور را به دشمن القا کند که حمله به ایران، مخاطرات فراگیری را برای مهاجم در پی خواهد داشت.

• **عامل زمان:** اقدامات بازدارندگی باید پیش از آنکه متخاصم تصمیم خود را عملی سازد، اخذ شود. جان اورما<sup>۳</sup> در همین زمینه اظهار می‌دارد:

«چنانچه تلاش‌های بازدارندگی با تأخیر مواجه شود، بیشتر جنبه اجبار به خود می‌گیرد، چرا که ... قطعاً مهاجم

1. Robert Jervis
2. Clausewitz
3. John Orme

دللی برای توقف عملیات در حال پیشرفت نمی‌یابد ... تا اینکه به‌سادگی از حمله صرف‌نظر نماید»<sup>(۱۳)</sup>

عدم تقارن زمان بیشتر در جنگ‌هایی است که حساسیت زمانی نسبت به‌اختتام جنگ در یکی از دو طرف جنگ مشاهده شود. برای نمونه، عدم تقارن، هنگامی روی می‌دهد که حریفی به‌جنگ وارد شود که تمایل دارد جنگ به‌درازا بینجامد، در حالی که طرف مقابل آن، تنها در کوتاه‌مدت می‌تواند به‌هدف خود برسد، مانند ایالات‌متحده که به‌دلایل گوناگون ترجیح می‌دهد درگیری‌های مسلحانه به‌سرعت پایان یابند.

گذشته از عامل زمان در دیپلماسی و اقدامات دفاعی ما، برای ایالات‌متحده نیز عامل زمان در نبردها بسیار حیاتی می‌باشد. بدین معنا که جنگ ضرورتاً نباید طولانی گردد. لذا می‌توان از این آسیب‌پذیری دشمن بهره گرفت، به‌گونه‌ای که زمان عملیات را برای دشمن طولانی تعریف کرد. در واقع با القای این موضوع که ما با مقاومت در برابر تهاجم ایستادگی کرده و زمان جنگ را پیش‌بینی‌ناپذیر خواهیم کرد، به‌اقدامی مؤثر و بازدارنده دست زده‌ایم.

بازدارندگی ایران در حوزه دیپلماسی با فراز و نشیب‌های بسیاری مواجه است، واکنش دیپلماتیک باید عامل زمان را در نظر بگیرد تا حداکثر نتیجه مطلوب حاصل شود.

## ۲ - اعمال فشار، اهرم مقابله با تهدیدات نامتقارن

اقدامات اعمال فشار، ترکیبی از تهدیدات نظامی و دیپلماسی است که علیه دشمن و متحدین آن انجام می‌شود تا مانع از ایجاد پایگاه نظامی و یا پیشروی نیروهای دشمن شود که از یکسری فعالیت‌های پنهان و آشکار بهره می‌گیرد تا متحدین دشمن را مورد تهدید قرار داده و یا اینکه آنها را تحت فشار قرار دهد. از مهمترین ابزارهای اعمال فشار، داشتن موشک‌های بالستیک و جنگ‌افزارهای کشتار جمعی است.

جمهوری اسلامی ایران به‌واسطه بسترهای متعارف و غیرمتعارف قدرت خویش در منطقه می‌تواند از خط مشی‌های مؤثری برای عملیاتی کردن استراتژی‌های طراحی شده، بهره‌مند شود. بنابراین در این بخش بر سه عامل توانایی در حوزه نظامی و سیاسی، قدرت و تأثیر و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه و بالاخره عامل مخاطره‌جویی تأکید خواهیم داشت.

• **توانایی<sup>۱</sup>:** متخاصمین بالقوه باید این را بدانند که عوامل بازدارنده توانایی اعمال تهدیدات خود را دارد. در اینجا توانایی در دو محور اصلی نظامی و سیاسی مدنظر قرار گرفته شده است:

**توان نظامی:** در این راستا حفظ و ارتقای آمادگی دفاعی به‌عنوان ابزار عملی برای حفظ و افزایش قدرت بازدارندگی، ضامن امنیت ملی کشور است. تقویت روزافزون توان دفاعی جمهوری اسلامی ایران یک استراتژی پایدار برای کشور است که در این راستا تجربیات ناشی از جنگ، هرچه بیشتر مسئولان نظام را نسبت به‌ضرورت توانمندی نظامی کشور واقف ساخت.

وضعیت جغرافیایی، منابع طبیعی، کمیت و کیفیت جمعیت، سطح توسعه اقتصادی، تکنولوژیک و توان نظامی، جمهوری اسلامی ایران را به‌صورت یک قدرت منطقه‌ای تأثیرگذار در سطوح جهانی و منطقه‌ای در آورده است.

1. Capabilities



ایران از طریق بازسازی امنیتی و نظامی خود به قدرت و توان نظامی چشمگیری دست یافته است، به‌ویژه که در زمینه موشکی نیز موفقیت‌ها و دستاوردهای بزرگی را کسب کرده است.<sup>(۱۴)</sup>

با توجه به موارد مذکور، توان نظامی ایران همواره کارکردی دفاعی و بازدارنده داشته است که جهت دستیابی به منابع نظامی آن هم با توجه به تحریم‌های امریکا و رقابت‌های حساس منابع قدرت، هدایت شده که مهم‌ترین آنها سرمایه‌گذاری در حوزه تسلیحاتی و موشکی است. دستیابی به توان موشکی می‌تواند توان بازدارندگی را به تجاوزهای منطقه‌ای تضمین کند. در جدول شماره (۲) توان موشکی چند کشور برای نمونه آورده شده است. با وجود این، ایران حمله به تأسیسات خود را تحمل نخواهد کرد. در نتیجه در اقدامی متقابل برنامه‌ریزان نظامی ارتش و سپاه اهدافی را برای مقابله به‌مثل برخواهند گزید، هرچند شاید اهداف دوربرد خود در امریکا را نتوانند هدف بگیرند، اما یقیناً در صورت لزوم به اهداف نزدیک‌تر مانند تأسیسات امریکا در خلیج فارس و کشورهای عربی و یا اسرائیل را مورد توجه قرار خواهند داد.

در فرآیند مسئله فعالیت‌های هسته‌ای نیز زمانی که ایران بتواند به توانمندی هسته‌ای دست یابد، گام مهمی در جهت استقلال و توانمندی صنعتی برداشته است. ورود به عرصه جدیدی از توانایی‌های صنعتی و علمی از اهداف مهم ایران است. تولید سوخت هسته‌ای و فناوری‌های نوین مجموعه‌ای از سطوح عالی علمی، تخصصی و صنعتی است که هر کشوری در صدد دستیابی به آن می‌باشد.

بنابراین دستیابی ایران به توان هسته‌ای در منطقه بسیار سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده خواهد بود. لذا جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای نیاز به بازوی نظامی قوی دارد که البته بیشتر نقش تدافعی داشته و بازدارندگی موفقیت‌آمیز را برای دفاع از امنیت کشور داشته باشد.

**توان سیاسی:** ایران برای افزایش قدرت و توان سیاسی خود به دنبال تعریف بحران‌های منطقه‌ای موجود و تلاش برای حل آنها در قالب راهکارهای منطقه‌ای است. در واقع راهبردی که بر همکاری‌های منطقه‌ای استوار باشد، به‌گونه‌ای که از طریق ائتلاف و اتحاد با قدرت‌ها و کشورهای دیگر بر قدرت خود بیفزاید.

افزایش قدرت، طیف وسیعی از ابزارها و روش‌ها را می‌طلبد، در این میان بهره‌گیری از ابزارهای دیپلماتیک در مقابله با تهدیدات بسیار مؤثر می‌باشد. اکنون تحرک دیپلماتیک می‌تواند بسیاری از تهدیدات را خنثی نماید. به این معنا که استفاده از رویکردهای مبتنی بر تعامل سازنده در سیاست خارجی زمینه همبستگی استراتژیک ایران با سایر کشورها را فراهم خواهد کرد.

جدول شماره (۲) فهرست کشورهای جهان به‌استثنای پنج قدرت هسته‌ای را نشان می‌دهد که دارای موشک‌های بالستیک با برد بیشتر از ۱۰۰ کیلومتر هستند. برد موشک‌ها بر اساس کیلومتر و وزن کلاهک‌های آن بر اساس کیلوگرم می‌باشد.

پس از بالا بردن ارتقای توان سیاسی در سطح خارجی، تحکیم پایه‌های قدرت داخلی دارای اهمیت بسیاری است، لذا تقویت مقبولیت نظام جمهوری اسلامی ایران در سطح داخلی ضروری می‌باشد، به‌گونه‌ای که نظام

سیاسی، کارآمدی خود را افزایش داده و بتواند خواسته‌های جامعه را تحقق بخشد و در راستای حکومت‌مداری خوب گام بردارد.

**جدول شماره (۲): کشورهای دارای موشک‌های بالستیک**

کشور	سیستم	برد km	کلاهک kg	محل ساخت
روسیه سفید	اس اس ۲۱	۷۰-۱۲۰	۴۸۰	شوروی سابق
	اسکادبی	۳۰۰	۱۰۰۰	شوروی سابق
ارمنستان	اسکادبی	۳۰۰	۳۰۰	روسیه
بلغارستان	اسکادبی	۳۰۰	۱۰۰۰	شوروی سابق
	اس اس ۲۳	۵۰۰	۴۵۰	شوروی سابق
جمهوری چک	اس اس ۲۱	۷۰-۱۲۰	۴۸۰	شوروی سابق
مصر	اسکادبی	۳۰۰	۱۰۰۰	شوروی سابق
	اسکادبی	۵۰۰	۷۰۰	کره شمالی
گرجستان	اسکادبی	۳۰۰	۱۰۰۰	شوروی سابق
هندوستان	پرتیوی ۱۵۰		۱۰۰۰	شوروی سابق
	پرتیوی ۲۵۰		۵۰۰	شوروی سابق
	پرتیوی ۳۵۰		۵۰۰	شوروی سابق
	اگنی ۲		۱۰۰۰	امریکا و فرانسه
	ساگارتا		۵۰۰	روسیه
الجزایر	اسکادبی	۳۰۰	۱۰۰۰	شوروی سابق
کره جنوبی	هرکولس ۱	۱۸۰	۳۰۰	امریکا
	هرکولس ۲	۲۵۰	۳۰۰	امریکا
قزاقستان	اس اس ۲۱	۷۰-۱۲۰	۴۸۰	شوروی سابق
	اسکادبی	۳۰۰	۱۰۰۰	شوروی سابق
ویتنام	اسکادبی	۳۰۰	۱۰۰۰	شوروی سابق
لیبی	اسکادبی	۳۰۰	۱۰۰۰	شوروی سابق
	الفتح	۹۵۰	۵۰۰	داخلی
لهستان	اس اس ۲۱	۷۰-۱۲۰	۴۸۰	شوروی سابق
	اسکادبی	۳۰۰	۱۰۰۰	شوروی سابق
عراق	ابابیل ۱۰۰۰	۱۰۰-۱۵۰	۳۰۰	داخلی
	اسکادبی	۳۰۰	۱۰۰۰	شوروی سابق
	الحسین	۶۰۰-۶۵۰	۵۰۰	داخلی
	الهجره	۶۰۰-۶۵۰	۲۵۰	داخلی
رومانی	اسکادبی	۳۰۰	۱۰۰۰	
امارات متحده	اسکادبی	۳۰۰	۱۰۰۰	روسیه
پاکستان	ام ۱۱	۲۸۰	۸۰۰	چین
	هاتف ۱	۸۰	۵۰۰	فرانسه

## جدول شماره (۲): ادامه

کشور	سیستم	برد km	کلاهک kg	محل ساخت
کره شمالی	اسکادبی	۳۰۰	۱۰۰۰	شوروی سابق
	اسکادبی	۵۰۰	۷۰۰	داخلی
	نودونگ	۱۰۰۰	۷۰۰ - ۱۰۰۰	داخلی
	ناپودونگ ۱	۱۵۰۰	۱۰۰۰	داخلی
	ناپودونگ ۲	۴۰۰۰	۱۰۰۰	داخلی
ایران	موشک ۱۲۰	۱۲۰	۵۰۰	چین
	موشک ۱۶۰	۱۶۰	۱۹۰	چین
	موشک ۲۰۰	۲۰۰	۵۰۰	چین
	سی اس اس ۸	۱۵۰	۱۹۰	چین
	اسکادبی	۳۰۰	۱۰۰۰	لیبی
	اسکادبی	۵۰۰	۷۰۰	کره شمالی
	زلزال ۳	-۱۵۰۰	۱۰۰۰	داخلی
	تندر ۶۸	۱۰۰۰	۵۰۰	چین
	شهاب ۳	۱۰۰۰	۷۰۰	کره شمالی
	شهاب ۴	۱۳۰۰	۱۰۰۰	روسیه
افغانستان	اسکادبی	۳۰۰	۱۰۰۰	شوروی سابق
عربستان	سی اس اس	۲۶۰۰	۲۱۵۰	چین
اسرائیل	هاتف ۱ الف	۱۰۰	۵۰۰	فرانسه
	هاتف ۲	۲۸۰-۳۰۰	۵۰۰	چین
	هاتف ۳	۶۰۰	۵۰۰	چین
	قوری	۱۵۰۰	۵۰۰-۷۵۰	کره شمالی
	لنس	۱۳۰	۴۵۰	امریکا
	جریکو ۱	۵۰۰	۵۰۰	فرانسه
	جریکو ۲	۱۵۰۰	۱۰۰۰	فرانسه
	جریکو ۳	۲۵۰۰	۱۰۰۰	داخلی
زئیر	اسکادبی	۳۰۰	۱۰۰۰	کره شمالی
آذربایجان	اسکادبی	۳۰۰	۱۰۰۰	شوروی سابق
اسلواکی	اس اس ۲۱	۷۰-۱۲۰	۴۸۰	شوروی سابق
	اسکادبی	۳۰۰	۱۰۰۰	شوروی سابق
	اس اس ۲۳	۵۰۰	۴۵۰	شوروی سابق

منبع: کشورهای دارای موشک‌های بالستیک، مجله نگاه، سال اول شماره ۷، مهر ۱۳۷۹، ص ۷.

براساس تعریف ارائه شده توسط کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل در آسیا و اقیانوسیه، حکومت‌مداری به معنای تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم، زمانی خوب است که دارای هشت شاخصه یعنی مشارکت، حکومت قانون،

شفافیت، پاسخگویی، اجماع محوری، برابری و شمولیت، مؤثر بودن و کارآمدی و در نهایت مسئولیت پذیری باشد.<sup>(۱۵)</sup> به گمان بسیاری از تحلیلگران داخلی برای عبور از گردنه تهدیدات خارجی ایران نخست باید درون خانه را مرتب کند. لذا در کشوری مانند ایران با تنوعات قومی، افزایش جمعیت جوان، پیدایش فضای ارتباطاتی نوین از قبیل ماهواره و اینترنت و همچنین تحولات منطقه‌ای شناخت و درک وضعیت موجود را ضروری می‌سازد، چرا که سهل‌انگاری بی‌شک عواقب جبران‌ناپذیری را به همراه خواهد داشت.

• **نفوذ:** بازدارندگی را می‌توان به‌طور کلی نوعی رابطه سیاسی و اجتماعی دانست که در آن طرف اول می‌کوشد تا در رفتار طرف دوم در جهت هدف یا اهداف خاصی اعمال نفوذ کند. نفوذ ممکن است از طرق مختلف و در جهت هدف‌های متفاوت به کار برده شود، اما بازدارندگی شامل نوع خاصی از اعمال نفوذ است که ضمن آن طرف مقابل تهدید می‌شود که چنانچه در جهت مطلوب عمل کند، مورد مجازات یا دست‌کم محرومیت قرار نخواهد گرفت.<sup>(۱۶)</sup>

نفوذ و تأثیرگذاری بر حلقه‌های گسست استراتژی دشمن یکی از مهمترین پارامترهای جنگ نامتقارن می‌باشد. بر این اساس دارا بودن توانمندی‌های دیپلماتیک و قدرت تأثیرگذاری بر مناطق حساس و مورد نظر دشمن حایز اهمیت می‌باشد. از اینرو مداخلات و تأثیرگذاری ایران در واقع در تقابل با سیاست‌های امریکا در منطقه بوده و اهداف و طرح‌های امریکا را به‌عنوان قدرت برتر منطقه به‌چالش کشیده است. لذا یک رویکرد نامتقارن ممکن است بازیگران منطقه‌ای را به‌طور غیرمستقیم تشویق به‌عدم همکاری با امریکا نموده، و در نتیجه عزم و اراده امریکا برای وارد عمل شدن را تحت تأثیر قرار دهد.

آنچه مسلم است اینکه جایگاه و موقعیت ژئوپلیتیک ایران در منطقه پس از سرنگونی طالبان و صدام ارتقای محسوسی یافته که این خود موجب خلق فرصت‌هایی برای ایران شده است. دورنمای به‌قدرت رسیدن شیعیان عراق باعث همگرایی بین ایران و عراق در منطقه خواهد شد. بنابراین ایران می‌تواند از نفوذ و تأثیرگذاری خود در عراق و افغانستان استفاده کرده و دیپلماسی خود را برای مقابله با تهدیدها و روابط با کشورهای دیگر گسترش دهد و از طرفی نیز به‌گونه‌ای برخورد کند که بازیگران منطقه‌ای به‌این نتیجه برسند که بدون برگ ایران، امکان بازی موفق در عراق امکان‌پذیر نمی‌باشد.

جمهوری اسلامی ایران همچنین می‌تواند نفوذ غیرملموس و پوششی در کشورهای منطقه ایجاد کند و با قدرت اراده و اعمال نظر در جهت خنثی نمودن هر نوع تهدید یا توطئه احتمالی دشمن گام بر دارد.

در راستای سیاست نفوذ، ایجاد توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی با کشورهای مستقل همجوار در منطقه و تلاش بر توسعه روابط از سطح تضاد به‌اختلاف، از اختلاف به‌تعارض و از تعارض به‌دوستی ضروری می‌باشد. همچنین ایجاد روابط اقتصادی و جلب سرمایه‌گذاری‌های خارجی به‌عنوان عامل ضربه‌گیر مؤثر در برابر تهدیدات بالفعل و بالقوه بسیار مؤثر می‌باشد. لذا با تکیه بر ارتقای موقعیت اقتصادی به‌گونه‌ای که بتوان به‌یک قدرت با نفوذ اقتصادی در منطقه تبدیل گردید، می‌توان از این طریق امکان تسری به‌موفقیت‌های سیاسی را تسهیل نمود.

نفت به‌عنوان عامل مهمی در محاسبات ایران و امریکا قرار دارد، چرا که ایران در صورت تهدید اگر تحت فشار قرار گیرد برای بازداشتن امریکا از تهدیدات، تنگه هرمز را می‌بندد و راه انتقال نفت در خلیج فارس را مسدود می‌کند که این امر پیامدهای سنگینی را برای قدرت‌های بزرگ به‌دنبال دارد. وزارت دفاع امریکا نیز این تهدیدها را بسیار جدی می‌گیرد. نایب دریادار «لوول ای جاکوبی» رییس آژانس اطلاعات دفاعی امریکا، روز ۱۶ فوریه ۲۰۰۵ در کمیته اطلاعاتی سنا گفت: به‌نظر ما ایران می‌تواند برای مدت کوتاهی تنگه‌هرمز را ببندد و برای این کار از نیروهای دریایی، هوایی و زمینی استفاده کند.<sup>(۱۷)</sup>

ایران، موقعیت استراتژیکی مناسبی در شمال خلیج فارس دارد و در جایگاهی است که می‌تواند چاه‌های نفت عربستان سعودی، کویت و امارات را تهدید کند و همچنین دهانه تنگه‌هرمز را در اختیار دارد. بنابراین با توجه به نفوذ اقتصادی ایران در منطقه در صورت شدت یافتن تهدیدات علیه ایران، شاهراه حیاتی انرژی در خلیج فارس در معرض خطر قرار می‌گیرد.

• **مخاطره‌جویی:** موضوع مخاطره‌جویی در رابطه با بازدارندگی بسیار حایز اهمیت است، چرا که بازدارندگی تصمیم‌گیران خطرگریز به‌آسانی صورت می‌گیرد، اما بازدارندگی رقبای خطرپذیر به‌سختی انجام می‌شود. تصمیم‌گیرندگان بی‌تفاوت نسبت به‌خطر نیز به‌یک اندازه به‌ضررهای احتمالی و ثمرات پیروزی اهتمام می‌ورزند. چنانچه منفعت مورد انتظار تخاصم برابر با منفعت حاصل از شرایط موجود باشد، تصمیم‌گیرندگان خطرگریز به‌هیچ‌وجه مخاطره نکرده، رهبران خطرپذیر برعکس مخاطره می‌نمایند و تصمیم‌گیرندگان بی‌تفاوت به‌خطر، نسبت به‌آن بی‌تفاوت خواهند بود.<sup>(۱۸)</sup>

محور اصلی فعلی در مقابله با تهدیدات امریکا با تأکید بر روی عدم ماجراجویی در قضایای نظامی بیرونی و آمادگی درونی استوار شده است. ایران برای عدم درگیری با بسیاری از کشورهای همسایه از مداخله در جنگ‌های داخلی آنها دوری نمود، از جمله درگیری آذربایجان و ارمنستان - گرجستان - تاجیکستان و جنگ استقلال طلبانه چین. در تمامی این موارد، ایران نشان داد که مصلحت‌گرایی و حفظ منافع ملی در صدر اولویت آن قرار دارد. از دیگر متغیرهای تأثیرگذار ایران با جهت‌گیری سیاست خارجی، واکنش‌های دیپلماتیک می‌باشد. در این چارچوب بهتر است دستگاه دیپلماسی از تأکید آشکار بر روی بهره‌برداری از اهرم‌های نظامی و شبه‌نظامی که خاصیتی برخوردارگرایانه در جبهه عمق استراتژیک دارند، اجتناب نماید. لذا می‌توان از ورود غیرضروری به‌حوزه اهرم‌های متقابل خودداری نمود. در این نوع دیپلماسی، استفاده از ادبیات تهاجمی به‌نفع مخاطبان و ناظرانی خواهد بود که در صدد یافتن بهانه‌های توجیه‌کننده برای اقدامات بعدی خویش می‌باشند.

تحلیلگران و طراحان حوزه‌های نظامی و سیاسی کشور نیز، می‌توانند سناریوهای لازم برای مقابله با رخدادهای احتمالی ناشی از حمله امریکا به‌ایران، درگیری‌های قومی و افزایش تحرکات مستقیم ضدایرانی در قالب جنگ نرم را مدنظر قرار داده و تدابیر مناسبی برای کاهش کشمکش‌ها و برخوردهای احتمالی اتخاذ کنند. بنابراین، خودداری از درگیری، بازدارندگی و در نهایت، جلوگیری از تجاوز در صورت تهدید شدن و شکست آن در صورت وقوع جنگ را مدنظر قرار دهند.

### ۳ - اقدامات ضداستقرار (عامل بازدارنده تهدیدات نامتقارن)

اقدامات ضداستقرار<sup>۱</sup> شامل سیستم‌های جنگ‌افزار نظامی، تاکتیک‌ها، تکنیک‌ها و رویه‌هایی است که به صورت عامل یا غیرعامل، مانع از استقرار نیروهای امریکایی و متحدان آن در بندرها و پایگاه‌ها، تخلیه نیرو و تجهیزات در منطقه در کشورهای متحد و دوست شده و یا روند آن را کند می‌سازد. اینها اقداماتی است که از پیش انجام یافته تا آزادی حرکت و عمل دشمن را در مناطق همجوار با مشکل مواجه سازد.<sup>(۱۹)</sup>

با توجه با اینکه جنگ نامتقارن دارای ابعاد متفاوت و متنوعی است، می‌توان گستره وسیعی از صحنه‌های نبرد را از جنگ‌های شبکه‌ای تا جنگ‌های مین، محدوده جنگ‌های نامتقارن دانست که همانا توانمندی‌های تسلیحاتی و نظامی، تاکتیکی و فریب قلمداد می‌شوند.

از آنجا که تهدیدات بسیاری، امنیت ملی ایران را تحت‌الشعاع قرار داده است، لذا ضرورت به کارگیری شیوه‌های کارآمد، تلاش‌های مستمر و ابتکار عمل برای مقابله با تهدیدات وجود دارد. مکانیزم مقابله با نیروهای تهدیدکننده، متغیر خواهد بود و به‌همین دلیل تغییر می‌یابد که پویایی‌های مشهودی در سیاست بین‌الملل وجود داشته و به‌موجب آن، نقش ملی کشورها با تغییرات و دگرگونی‌های محسوس و قابل توجهی رو به‌رو می‌شود. طبعاً در چنین وضعیتی شاهد تغییرات الگویی در روش‌ها و پیگیری سیاست خارجی خواهیم بود. با توجه به‌موارد ذکر شده، در قسمت بعد به‌بررسی ترکیب استراتژی‌های بازدارنده می‌پردازیم.

#### • ترکیب استراتژی‌های بازدارندگی

استین<sup>۲</sup> استدلال می‌کند که کارایی استراتژی‌های متفاوت بستگی به‌انگیزه متخاصم دارد. چنانچه بیم و یا راهکار سیاست داخلی عامل محرکه باشد، تجدید اطمینان و سازش نتیجه بسیار ثمربخشی خواهد یافت. اعمال بازدارندگی از طریق مجازات و یا تحذیر بیشترین کارایی خود را در متخاصمین فرصت‌طلب دارد. با این حال چنانچه انگیزه‌های متخاصم درهم آمیخته شود، تجدید اطمینان به‌عنوان بازدارندگی تکمیلی، کارایی بیشتری می‌یابد.<sup>(۲۰)</sup> به‌عنوان مثال، بازدارندگی از طریق تحذیر باید به‌کمک تهدید به‌اعمال مجازات تقویت شود، تا بدین‌وسیله بازدارندگی تشدید یابد. این صرفاً یک نمونه از چگونگی ترکیب تاکتیک‌های مختلف است.

بنابراین با توجه به‌موارد ذکر شده ملاحظه می‌کنیم که اشکال متفاوتی برای دست یافتن به‌بازدارندگی قابل ترکیب هستند. تعیین مطلوب‌ترین استراتژی کاربردی در موردی خاص به‌آسانی انجام نمی‌پذیرد. شاید در یک تعریف ساده بتوان گفت: بازدارندگی در برابر تهدیدات نامتقارن می‌تواند اراده طرف مقابل و توانایی آزادی عمل را از او بگیرد.<sup>(۲۱)</sup>

در فرآیند بررسی بازدارندگی ترکیبی، ما می‌توانیم از عناصر اصلی و تشکیل‌دهنده تهدیدات نامتقارن که در قبل نیز مطرح شد، بهره‌برداری نماییم. مجموعه این عناصر را به‌شرح زیر می‌توان خلاصه نمود:

– استفاده از روش‌های مبتکرانه و خلاقانه در جهت بازدارندگی تهدیدات نامتقارن می‌تواند در راستای تحمیل

1. Anti-establishment measure  
2. Stein

- بن‌بست، جنگ چریکی<sup>۱</sup>، براندازی و جنگ اطلاعات، رویکردهای غیرقابل پیش‌بینی یا غیرمتعارف، روش‌های مبتکرانه، پوشاندن، استتار، فریب برای جلوگیری از شناسایی تهدیدها و مقابله با آنها باشد. لذا با ابتکار عمل، اقدامات غیرمنتظره، ابزار نامرسوم غافلگیری، فریب و عزم و اراده پولادین، می‌توان سررشته امور را از مدار پیش‌بینی خارج ساخت و انسجام استراتژی دشمن را از هم پاره کرد.
- بهره‌گیری از نقاط آسیب‌پذیر دشمن به‌منظور بازدارندگی، به‌گونه‌ای که آسیب‌پذیری‌های ناشناخته دشمن را هدف قرار دهد. یعنی اندیشیدن، سازماندهی کردن و انجام عملیات متفاوت از آنچه دشمن انجام می‌دهد، به‌منظور به‌حداکثر رساندن برتری‌های خود یا بهره‌برداری از نقاطضعف دشمن، که همان تکیه برحلقه‌های گسست دشمن می‌باشد. استفاده از فناوری‌ها پیشرفته، که ویژگی دوران سریع است، به‌خصوص ویژگی دوران تغییرات انقلابی، برپای جنگ‌های اطلاعاتی و انقلاب در امور نظامی می‌باشد.
- تضعیف اراده برتر دشمن که در بخش‌های پیشین در عناوین باورپذیری، توانایی و نفوذ مطرح شد؛ هدف از این اقدام تضعیف اراده دشمن قوی برای جنگ است، به‌این معنا که هیچ سهمی برای طرف مقابل در نظر گرفته نشود که در اینجا بازی با حاصل جمع جبری صفر مدنظر است.
- تأکید بر تأثیرات نامتناسب؛ هدف بازدارندگی ایجاد تأثیرات نامتناسب از طرق مختلف، مانند شوک‌آفرینی و مختل کردن اراده، ابتکار و آزادی عمل دشمن می‌باشد.
- عدم تقارن به‌ویژه در شیوه‌ها، فناوری‌ها، ارزش‌ها، سازمان‌ها، نسبت‌های زمانی و یا ترکیب‌هایی از اینها را شامل می‌شود. این عدم تقارن می‌تواند کوتاه‌مدت یا بلندمدت باشد که هر دو بعد فیزیکی و روانی جنگ را دربر می‌گیرد. (۲۲)
- تاکتیک‌های متفاوت بر ضد دشمن نامتقارن، در واقع آنهایی است که ممکن می‌باشد قبلاً آن ترکیب ویژه از گزینه‌ها را استفاده نکرده باشیم یا امکان دارد مجبور باشیم گزینه‌هایی نو و بدیع را برای مقابله با عدم‌تقارن درهم بیامیزیم. در هنگام برخورد با یک وضعیت، گزینه‌های رهبران باید از میان تنوعی از راه‌حل‌های ممکن و موافق گزینش شده و با تدابیرشان در برابر پیشامدهای موجود در نقطه درگیری باشد. (۲۳)

#### ۴ - اقدامات ضدتهاجم

- اقدامات ضدتهاجمی<sup>۲</sup>، سیستم‌های جنگ‌افزار نظامی، تاکتیک‌ها و روندهایی را به‌صورت عامل یا غیرعامل شامل می‌شود که به‌منظور خنثی کردن توانمندی امریکا و متحدانش در منطقه می‌باشد.
- در فرآیند بررسی اقدامات ضدتهاجم، با این عامل برخورد می‌کنیم که اگر صلح می‌خواهی مهیای جنگ باش، لذا بهره‌گیری از دفاع عامل و غیرعامل مدنظر می‌باشد.
- دفاع عامل نه تنها شامل سیستم‌های دقیق پدافندی، مانند موشک‌های زمین به‌هوا می‌شود، بلکه جنگ‌افزارهای آفندی با قابلیت دفع متجاوز را نیز دربر می‌گیرد.

1. guerrilla war  
2. Anti- invasion

- دفاع غیرعامل<sup>۱</sup> مشتمل بر موانعی بزرگ از قبیل دیوار بزرگ چین و خط ماژینو فرانسه و نیز مستحکم ساختن اهداف نظامی و غیرنظامی جهت ایمن‌سازی آنها در برابر حملات می‌باشد.<sup>(۲۴)</sup>

اعمال بازدارندگی از طریق شرایط منحصراً دفاعی غیرممکن خواهد بود، به‌ویژه هنگامی که مبتنی بر دفاع غیرعامل باشد. دفاع عامل که به‌یقین توانایی تهدید به‌وارد آوردن خسارات مستقیم و یا غیرمستقیم بر امکانات اقتصادی و یا نظامی متخاصم را دارد از احتمال بازدارندگی بیشتری برخوردار است.<sup>(۲۵)</sup>

شیوه‌های دفاع غیرعامل، مانند استتار و فریب برای جلوگیری از شناسایی اهداف و آسیب زدن به آنها استفاده می‌شود و در صورت توجه به‌برخی از ابزار و عناصر دفاع عامل، استفاده از موشک و پروازکننده‌های بدون سرنشین، که دسترسی به آنها ارزان و امکان شناسایی و کنترل آنها دشوار است و یا در صورت بروز شرایط حاد، حتی تهدید به‌استفاده از عوامل کشتار جمعی از جمله راه‌حل‌هایی است که می‌تواند در برابر مهاجم مؤثر واقع شوند. مخفی نمودن توانایی‌ها یا گمراه کردن هدف حمله نسبت به‌اهداف، استراتژی و توانایی‌ها نیز بر آسیب‌پذیری طرف مقابل خواهد افزود.<sup>(۲۶)</sup> به‌ترتیب، استراتژی دفاعی مناسب در قالب دو مکانیزم قابل طرح می‌باشد:

الف) استراتژی متعارف، بازدارندگی خواهد بود، به‌گونه‌ای که منابع قدرت را افزایش دهیم.

ب) در صورت عدم موفقیت، آمادگی برای رویارویی در جنگ نامتقارن ضروری است.

بنابراین الگوی انتخابی برای ایران، راهبرد دفاعی با دو رویکرد بازدارندگی و نبرد نامتقارن می‌باشد. این نوع جنگ‌هایی هستند که گروه‌های کوچک نظامی یا شبه‌نظامی علیه ارتش‌های قوی‌تر و بزرگ‌تر انجام می‌دادند. عدم تقارن و ناهم‌طرازی در شمار نیروها و قدرت از ویژگی آن بوده است که طرف ضعیف نیز با بهره‌برداری از نقاط ضعف دشمن قوی‌تر خود تلاش می‌کند تا اراده خویش را بر او تحمیل کند و یا از تحمیل اراده او جلوگیری نماید.

تجربه جنگ افغانستان و عراق بیانگر این موضوع است که، امریکا برای برآورد هزینه‌های حمله به‌مواردی خاص توجه دارد. در واقع ما می‌توانیم این محاسبات و همچنین برآورد هزینه‌ها را شناسایی کرده، در این محاسبات دستکاری نموده و آنها را به‌نفع خود بر هم زنیم. به‌عنوان مثال، امریکا در جنگی وارد نمی‌شود، مگر اینکه:

- از پیروزی اطمینان داشته باشد؛
  - تمامی پروسه جنگ را باید در کنترل خود داشته باشد؛
  - پیروزی سریع و قاطع در پی داشته باشد؛
  - احتمال ریسک در جنگ صفر باشد؛
  - برخورداری از پایگاه‌های جاسوسی، ستون پنجم و همچنین دستیابی به‌اطلاعات کامل داشته باشد؛
  - عامل زمان بسیار حیاتی است و زمان نباید طولانی گردد؛
  - تلفات طرف امریکایی باید حداقل باشد، زیرا تکیه بر توان تکنولوژی مطرح است.
- اگر ایران بتواند در این محاسبات خللی ایجاد کند یا اینکه امریکایی‌ها تصور کنند که در هر یک از این پارامترها ضعیف هستند، احتمال خطر و تهدید برای ایران کاهش می‌یابد.
- بنابراین ما دریافته‌ایم که نباید از نقاط قوت دشمن، در عرصه برخورد وارد شد. به‌عنوان مثال ایالات متحده



امریکا در عرصه جنگ منظم، قوی است، پس استراتژی ما باید بر پایه جنگ نامنظم استوار باشد. قدرت مانور امریکا در دریای عمان بالاست و ما نباید به آن حیطة جنگ را گسترش دهیم، در عوض در خلیج فارس امکان موفقیت ما بیشتر است. در منطقه جنوب می توان ارتش نامرئی مستقر کرد، جاده ها، تنگه ها و معابر را مین گذاری نمود و با ایجاد نیروهای چریکی خودمدیر، می توان حرکت دشمن را با کندی و سختی مواجه کرد، چرا که باید هزینه دشمن را بالا برد.

از آنجایی که ایالات متحده امریکا، نگاه سیستمی به جنگ دارد و این توان هم افزایی، افزایش توان و قابلیت ها را سرسام آور بالا می برد، می توان این موارد را به درستی شناسایی کرد و ارتباط اجزای سیستم را مختل نمود، در این صورت ضربه به جزیی از سیستم، به کل سیستم صدمه وارد می کند و تا بازسازی سیستم، زمان عملیات به درازا می کشد که این مطلوب دشمن نیست. همچنین استفاده از تکنیک های «جنگ پسین» کاربرد مطلوبی برای ما در پی دارد.

## نتیجه گیری

به طور کلی جمهوری اسلامی ایران پس از جنگ با عراق از سال ۱۳۶۷ سیاست رشد محور مبتنی بر بازسازی کشور را مورد توجه قرار داد. اما به رغم وقوع تحولاتی در این زمینه به نظر می رسد که تهدیدات بسیاری محیط امنیتی کشور را تحت الشعاع قرار داده است که البته این تهدیدات خود موجب پیدایش عملگرایی و واقع گرایی بیشتری در گفتمان های نوین امنیتی کشور شده است. جمهوری اسلامی ایران، واقعیت نظام بین الملل را که در آن واحدهای ملی به تعقیب منافع ملی خود می پردازند را پذیرفته و درصد افزایش توان و قدرت ملی از طریق توانمندسازی های اقتصادی و علمی در ابعاد مختلف توسعه و همچنین همکاری هایی در سطوح منطقه ای و بین المللی می باشد.

اما سرانجام پس از تجزیه و تحلیل مدل بازدارندگی به عنوان یکی از راهکارهای مقابله با تهدیدات نامتقارن دریافتیم که کشورها به طور اساسی زمانی موفق خواهند بود که عقلانی عمل کنند و راهبردی بیاندیشند. چرا که عنصر دانایی نقش مهمی در جهت ایجاد امنیت ایفا می کند، به گونه ای که سازماندهی خوب و انتخاب استراتژی مناسب در زمان مقتضی و همچنین شناخت دشمن، اتکا بر توان و تکنولوژی بومی می تواند راهکارهای مناسبی را پیش روی ما قرار دهد و در نهایت اینکه چنانچه اقدامات بازدارندگی مفید واقع نشد، در آن صورت ایران با توجه به توانمندی های خود در عرصه جنگ نامتقارن با مهاجم روبه رو خواهد شد.

۱. استفاده از روش های بسیار ساده و ابتدایی برای مقابله با تکنولوژی پیشرفته جنگی، به گونه ای که با هزینه کم، بتوان نتیجه گسترده ای را به دست آورد.

## پی‌نوشت‌ها:

- ۱- خیبری، کابک، راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران (ملزومات و راهکارها)، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، مرکز تحقیقات استراتژیک دفاعی، سال اول، شماره اول، پاییز ۱۳۸۲، ص ۵۴.
- ۲- قوام، سید عبدالعلی، **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**، تهران، سمت، چاپ دهم، ۱۳۸۳، ص ۳۵۷.
- ۳- برای مطالعه بیشتر مراجعه شود به: کنت مکنزی، **جنگ نامتقارن**، عبدالحمید حیدری و محمد تمنائی، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، ۱۳۸۲، ص ۱۳.
- ۴- کلهر، رضا، راهبرد جنگ نامتقارن، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، سال دوم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۸۳، ص ۱۲۲.
- ۵- بنت، بروس، پاسخ به تهدیدهای نامتقارن، ترجمه سیدکمال سروریان، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، **گزارش راهبردی**، شماره ۱۱۴-۵-۳-۱۳۸۳، ص ۱۲.
- ۶- مکنزی، کنت، **جنگ نامتقارن**، ترجمان عبدالمجید حیدری و محمد تمنائی، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، ۱۳۸۲، ص ۱۳.
- ۷- مکنزی، کنت، همان.
- ۸- **سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴**، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۹- گارن هام، دیوید، **ضرورت‌های بازدارندگی**، ترجمه سعید کافی، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دوره عالی جنگ، ۱۳۷۹، ص ۶۰.
- ۱۰- سرتیب ۲ طیب شعبانی، بازدارندگی در جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه دفاعی استراتژیک**، سال یکم، شماره ۴، بهار ۱۳۷۹، ص ۱۳.
- 11- Robert Jervis, **T Illogic of American Nuclear Strategy** (Ithaca, NY: Cornell University Press, 1984), 156.
- ۱۲- مکنزی، کنت، **پیشین**، ص ۱۲.
- 13- John Orme T Deterrence Failures : A Second Look , International Security 11, no .4 (spring 1987): 121.
- ۱۴- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، موانع ساختاری برتری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، **دانشنامه حقوق و سیاست**، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال اول، شماره دوم، بهار ۱۳۸۴، ص ۴۹.
- ۱۵- حاجی یوسفی، امیرمحمد، جمهوری اسلامی ایران و نظام بین‌الملل دستخوش دگرگونی، **فصلنامه راهبرد دفاعی**، مرکز تحقیقات استراتژیک، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۸۲، ص ۲۰.
- ۱۶- ازغندی، علیرضا، روش‌اندل، جلیل، **مسائل نظامی و استراتژیک معاصر**، تهران، سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۴، ص ۲۰۴.
- ۱۷- قدیری، نیلوفر، ژئوپلتیک نفت ایران و امریکا، **همشهری دیپلماتیک**، شماره ۴۴، ۲۷ فروردین ۱۳۸۴.
- ۱۸- گارن هام، دیوید، **پیشین**، ص ۳۰.
- ۱۹- مکنزی، کنت، **پیشین**، ص ۷۵.
- ۲۰- گارن هام، دیوید، **پیشین**، ص ۶۳.
- ۲۱- خیبری، کابک، **پیشین**، ص ۵۴.
- ۲۲- مکنزی، کنت، **پیشین**، ص ۱۴.
- ۲۳- سرهنگ کلینتون جی آنکر و سرهنگ دوم مایکل دی بورک، دکترین نبرد نامتقارن، ترجمه سیاوش دانیالی، **ماهنامه خلیج فارس و امنیت**، سال پنجم، اردیبهشت ۱۳۸۳، شماره ۴۲، ص ۲۶.
- ۲۴- گارن هام، دیوید، **پیشین**، ص ۳۷.
- ۲۵- گارن هام، دیوید، **پیشین**، ص ۳۸.
- ۲۶- مختاری، مجید، جنگ نامتقارن، استراتژی مناسب برای چه کسی، **ماهنامه نگاه**، شماره ۳۷، مرداد ۱۳۸۲، ص ۴۹.